

طرح‌واره‌های تصویری معجزات انبیاء در قرآن: رویکردی شناختی

فاطمه حبیبی^۱

چکیده

معجزات پیامبران در قرآن کریم از وجوه گوناگونی بررسی شده، اما تاکنون به شیوه زبانی قرآن کریم برای انتقال مفاهیم، کمتر توجه شده است. در این مقاله به عنوان یک مطالعه میان‌رشته‌ای، از ابزار زبان‌شناسی شناختی استفاده شده و این پژوهش از حیث روش، با تمرکز بر آیات، در زمره پژوهش‌های پیکره‌بنیاد محسوب می‌شود. طرح‌واره تصویری، یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در زبان‌شناسی شناختی است که در ادراک پیش‌مفهومی انسان، نقش اساسی ایفا می‌کند. این طرح‌واره‌ها از تعامل انسان با جهان واقع ناشی می‌شوند و ابزاری بنیادین برای درک بسیاری از مفاهیم انتزاعی هستند. از آنجا که مفاهیم قرآنی دارای لایه‌های معنایی گوناگونی هستند، لذا کاربرد این ابزار، در ادراک عمیق‌تر آن ضروری می‌نماید. این پژوهش می‌کوشد تا با کاربرد رویکرد طرح‌واره محور در زبان‌شناسی شناختی، انواع طرح‌واره‌های به کار رفته در معجزات پیامبران اولوا العزم علیهم‌السلام در قرآن و همچنین گزاره‌های موجود مرتبط با آن را استخراج و کارکرد هر یک را تبیین نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهد در نقل و تبیین صحنه‌های وقوع معجزات، طرح‌واره‌های نیرو مشتمل بر اجبار (شروع و پایان معجزه)، رفع مانع (عبور از دریا/شکافت سنگ)، نیروی متقابل (حق/باطل) و مانند آن، بیشترین کاربرد را دارد؛ کثرت کاربرد طرح‌واره نیرو در آیات مشتمل بر معجزات، می‌تواند نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه شیوه انتقال زبانی، در روستخت آیات معجزه‌محور قرآن کریم باشد. علاوه بر طرح‌واره نیرو در زیرساخت استعاری

۱. عضو گروه پژوهشی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء علیها‌السلام. f.habibi@alzahra.ac.ir

آیات، سایر طرح‌واره‌ها مانند حرکت (استقرار حق)، حجم (غلبه) و موجودیت (اندازه) نیز وجود دارند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم؛ معجزات پیامبران ﷺ؛ مطالعات میان‌رشته‌ای؛ زبان‌شناسی شناختی؛ طرح‌واره تصویری؛ لایه‌های معنایی قرآن؛ طرح‌واره نیرو.

۱. مقدمه

طرح‌واره تصویری یا ساخت‌واره ذهنی یکی از مدل‌های نظری مهم در الگوی بازنمایی زبان است. بر اساس این نظریه، چگونگی دریافت، پردازش و سازماندهی اطلاعات تبیین می‌شود؛ به عبارت دیگر دانش انسان از جهان، شبکه‌ای از قالب‌های ذهنی و ساخت‌های شناختی هستند که به آن طرح‌واره می‌گویند. طرح‌واره‌ها میان دانش پیشین و دانش جدید در فرآیندهای ادراکی، زبان، تفکر و حافظه، ارتباط و تعامل برقرار می‌کنند (Arbib, Conklin & Hill, 1987/487-483). کاربرست این نظریه در بررسی آیات قرآن کریم، تبیین عمیق‌تری از آیات به دست می‌دهد که در این پژوهش بدان اشاره خواهد شد. ضرورت انجام پژوهش حاضر، آن است که ایجاد نوآوری در مطالعات قرآن و حدیث با بهره‌گیری از مطالعات میان‌رشته‌ای، یکی از راه‌های گسترش مرزهای دانش در جوامع علمی است و البته رویکردهای نوین زبان‌شناسی شناختی یکی از ابزارهای کاربردی در این زمینه است.

هدف از این پژوهش آن است که مشخص کند:

۱. کدام طرح‌واره‌ها در انتقال معنای معجزه در آیات قرآن کریم نقش دارد؛
۲. چگونگی کاربرست این طرح‌واره‌ها در آیات را تبیین کند؛
۳. در نهایت اینکه کدام آموزه‌های مرتبط، از طریق طرح‌واره‌های تصویری، مفهوم‌سازی شده‌اند.

به همین منظور، پس از ارائه مباحث نظری، وجود و کارکرد هریک از این طرح‌واره‌ها بررسی می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گوناگونی با رویکرد شناختی و موضوع طرح‌واره انجام شده و استفاده از دیدگاه شناختی و به ویژه طرح‌واره تصویری، مدتی است عنوان برخی از پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها را به خود اختصاص داده است.

در کتاب **معناشناسی شناختی قرآن** (قائمی نیا، ۱۴۰۰) فصل نهم با عنوان ساختار نیرو-پویایی آیات، به موضوع طرح‌واره اشاره شده است؛ اما طرح و بسط روشمند و متمرکز در خصوص طرح‌واره «معجزات» در قرآن کریم و ورود به مفهوم قرآنی معجزات به شیوه‌ای که این پژوهش کوشیده است به کار گیرد، بدون پیشینه است و موضوع مقاله از این جهت بدیع محسوب می‌شود و در بررسی سایر انواع مطالعات، پژوهشی یافت نشد که به موضوع طرح‌واره «معجزات» در قرآن کریم پرداخته باشد.

به منظور رعایت اختصار، در ادامه به مواردی اشاره می‌شود که به شکل خاص، در حوزه مطالعات قرآنی قرار دارند و نگارنده توانسته است آن‌ها را برشمارد. این مطالعات در حوزه مقالات پژوهشی قرار دارند و می‌توان آن‌ها براساس شیوه کار به چند گونه، طبقه‌بندی کرد.

در برخی از مقاله‌ها به یک واژه مانند رحمت (بهریزی و شیرازی، ۱۳۹۹)؛ شاکله (درزی و همکاران، ۱۳۹۶) و عذاب (جزینی و همکاران، ۱۳۹۷) پرداخته شده و انواع طرح‌واره‌های موجود، براساس کاربست این واژگان در آیات تبیین شده است. در گروه دیگری از مقالات دامنه پژوهش براساس مفاهیم شکل گرفته است، برای نمونه مفاهیمی چون بهشت و جهنم (پرهیزکار و همکاران، ۱۳۹۹)، گزاره‌های دینی و اخلاقی (کریمی بروجنی و همکاران، ۱۳۹۶) و (نتاج و سلیمی، ۱۳۹۶)، و زندگی دنیوی و اخروی (قائمی و ذوالفقاری، ۱۳۹۵) پژوهش شده است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از حیث روش، با تمرکز بر آیات قرآن کریم، در زمره پژوهش‌های

پیکره‌بنیاد محسوب می‌شود؛ زبان‌شناسی پیکره‌ای رویکردی به مطالعه زبان است که بر اساس مجموعه‌های اصولی رایانه‌ای - متنی، الگوهای استفاده از زبان را بررسی می‌کند (Barbieri, & Eckhardt, 2007: 321). پیکره‌زبانی را بدنه‌ای از زبان طبیعی دانسته‌اند (McEnery, 2006: 4) و امروزه با توجه به نوآوری‌ها و ابزارهای رایانه‌ای نوین، برای پژوهش‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای، سود فراوانی از این پیشرفت حاصل شده است؛ زیرا استفاده از فناوری‌های نوین، مسیر حرکت را در بررسی متون روشن و آسان کرده و موجب شده که این مسیر با دقت و شتاب بیشتری طی شود. یکی از مزیت‌های دیگر پژوهش‌های پیکره‌بنیاد این است که برای شمّ زبانی پژوهشگران، یک شالوده پژوهشی در دسترس قرار می‌دهد و برای آن، قدرت محک و سنجش فراهم می‌آورد (بامشادی و انصاریان، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و پیکره مورد مطالعه بر اساس اسامی انبیای اولوا العزم^۱ شکل گرفته است. به همین منظور در ابتدا با استفاده از نرم‌افزار جامع تفاسیر نور (نسخه ۳) تمام آیاتی که در آن‌ها به رخداد معجزات انبیای اولوا العزم علیهم‌السلام اشاره شده بود، استخراج و در گام‌های بعدی با استفاده از کتب لغت و تفاسیر و همچنین تحلیل‌ها و بررسی‌های شخصی، آیات از جهت کاربست طرح‌واره، بررسی شد. از آنجا که گستره وسیعی از معجزات سایر پیامبران علیهم‌السلام در قرآن وجود دارند که هر کدام نیازمند پژوهش‌های مستقل هستند، لذا معجزات ایشان در محدوده این پژوهش قرار ندارد.

۴. چارچوب نظری

طرح‌واره عبارت است از سازمان‌بندی فعال واکنش‌ها یا تجربیات قبلی که همواره در

۱. پیامبران اولوا العزم پیامبرانی‌اند که دارای شریعتی نو و کتابی تازه باشند، آنان پنج نفرند: نوح علیه‌السلام؛ ابراهیم علیه‌السلام؛ موسی علیه‌السلام؛ عیسی علیه‌السلام و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.

پاسخ‌های مناسب موجود زنده یافت می‌شود؛ به عبارتی طرح‌واره‌ها فرایند ذهنی ناخودآگاه فعال ذهن هستند که محدوده وسیعی از ساختارهای شناختی را دربردارند. (Bartlett; 1932/210). طرح‌واره تصویری نوعی ساخت مفهومی است که برحسب تجربه ما از جهان خارج در زبان بازنمود می‌یابد. برخی از ویژگی‌های اصلی طرح‌واره‌ها در یک طبقه‌بندی ساده شده عبارتند از:

۱. طرح‌واره‌ها از لحاظ منشأ، پیش مفهومی هستند.
۲. طرح‌واره‌ها از مشاهده جهان و تعامل با آن ناشی می‌شود.
۳. طرح‌واره‌ها به خودی خود، معنادار هستند.
۴. طرح‌واره‌ها چندوجهی هستند.
۵. طرح‌واره‌ها انعطاف‌پذیر و قابل انتقال به صورت‌های گوناگون زبانی هستند (صفوی، ۱۳۸۲، ۶۵-۶۸).

زیربنای شکل‌گیری طرح‌واره تصویری یا همان ساخت‌واره ذهنی، طرح پرسش‌های فلسفی درباره چگونگی شکل‌گیری معنا و استدلال بود. مارک جانسون سال ۱۹۸۷ در کتاب *بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال*، پس از بیان دیدگاه‌های فلسفی گوناگون درباره معنا مانند عین‌گرایی و تجربه‌گرایی و موضوع بحران در نظریات معنا و عقلانیت، بیان می‌دارد که هیچ‌یک از نظریات رایج، تاکنون نتوانسته استاندارد معناشناسی و تصور و همچنین نقش تصور در کشف و ابداع معنا را ارائه نماید (جانسون، ۱۹۸۷: ۲).

او در تعریف طرح‌واره می‌گوید طرح‌واره یک الگو و یک رویداد منظم تکرارشونده است که در فعالیت‌های تجربی روزمره انسان به شکل نظم‌یافته‌ای جریان دارد. هر طرح‌واره ساخت ذهنی، متشکل از روابط و اجزا است که می‌تواند تعداد زیادی ادراک حسی و تجربی یا رویدادهای زندگی انسان را سازماندهی نماید. اجزا، متشکل از یک مجموعه هستی‌ها مانند مردم، صحنه‌ها، رویدادها، حالت‌ها و هدف‌ها است؛ روابط نیز عبارتند از روابط علی، توالی زمانی، روابط فضا-زمان و... (جانسون، ۱۹۸۷: ۸۲ و ۸۳).

نکته مهمی که باید به آن اشاره شود این است که در برخی مقالات، پژوهش‌ها یا رساله‌هایی که به طرح‌واره‌ها پرداخته شده، به جای واژه طرح‌واره تصویری از واژه تصویری استفاده شده است که براساس دیدگاه زبان‌شناسان، این خلط معنا به دلیل اشتباه در ترجمه واژه لاتین Image است که به جای تصور، تخیل و امر ذهنی، به اشتباه به تصویر ترجمه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این مقاله از کاربرد صحیح این مفهوم یعنی طرح‌واره تصویری یا همان ساخت‌واره ذهنی استفاده شده است (حبیبی، ۱۴۰۰، ۳).

زبان‌شناسان شناختی مانند لیکاف و جانسون (۱۹۸۹م) بیش از ده طرح‌واره را معرفی می‌کنند؛ از جمله طرح‌واره ظرف یا حجم، مسیر، نیرو، جهت، تعادل، موجودیت و... بر اساس نتایج حاصل از استخراج آیات و بررسی طرح‌واره‌ها مشخص شد کاربرد طرح‌واره نیرو بالاترین بسامد را دارد، لذا تمرکز این پژوهش بر این مورد از طرح‌واره‌هاست که هم جزو مهم‌ترین و عمومی‌ترین طرح‌واره‌ها هستند و هم کاربردهای قرآنی آن‌ها در پیکره مشتعل بر معجزات پیامبران ﷺ مشاهده شده است؛ البته به سایر طرح‌واره‌های موجود اعم از حرکت، ظرف و... نیز پرداخته می‌شود.

۵. بررسی لغوی و اصطلاحی «معجزه»

واژه «معجزه» از ریشه عَجَزَ اسم فاعل باب افعال است که تاء آخر آن برای افاده معنای مبالغه است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۲/۲۹۰). در آیات قرآن کریم، این واژه برای عدم انجام کار یا ضعف و نقطه مقابل قدرت و توانایی به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴/۲۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۷) مانند: ﴿أَعْجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ﴾ (مائده/۳۱) که اعتراف قابیل درباره ناتوانی و عجز خویش است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۵/۳۰۶). آیه الله خوبی در تعریف لغوی این کلمه می‌گوید: معجزه از اعجاز، ریشه گرفته و در لغت به چند معنا آمده است: اولاً از دست رفتن چیزی، مثلاً گفته می‌شود «أعجزه الأمر الفلانی»، یعنی فلان چیز از دست او رفت؛ ثانیاً احساس عجز و ناتوانی در دیگری، مثلاً «أعجزت زیدا»،

یعنی او را عاجز و ناتوان یافتیم. ثالثاً ایجاد عجز و درماندگی در طرف مقابل، در این صورت اعجاز به معنای تعجیز می‌باشد، مانند: «أعجزت زیداً» یعنی او را عاجز و ناتوان نمودم (خویی، ۱۳۸۲: ۵۲).

بر اساس دیدگاه صاحب التحقیق، با توجه به مفهوم ناتوانی در واژه عجز، به ریشه درختان عجز می‌گویند تا ضعف را در آن‌ها نشان دهد و بیانگر نیاز شدید آن‌ها به تغذیه از آب و گل است؛ استفاده واژه عجزه از این ماده، برای مفهوم پیرزن نیز همین‌طور است، زیرا ضعف و نیاز بر پیرزن چیره می‌شود و دیگر توان کار و حرکت را ندارد (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۴۵/۸). این مفهوم ناتوان ساختن بر دو گونه است؛ یکی آنکه توانایی کسی قهراً از وی سلب شود و او به عجز درآید؛ مثلاً اگر شخصی قدرت مالی یا مقامی دارد، آن مال یا مقام از او با زور گرفته شود؛ دیگر آنکه کاری انجام گیرد که دیگران از انجام یا هم‌آوردی با آن عاجز باشند، بدون آنکه درباره آنان هیچ‌گونه اقدام منفی به عمل آمده باشد؛ مثلاً ممکن است کسی در کسب کمالات روحی و معنوی به اندازه‌ای پیشرفت کند که دست دیگران به او نرسد و از روی عجز دست فرو نهند (معرفت، ۱۳۸۱: ۴۳۲)، لذا می‌توان گفت اعجاز به صورت کلی ملازم با تأثیر، تسلط و برتری است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۴۵/۸).

در اصطلاح دانشمندان علم کلام، معنای اعجاز عبارت از این است که اگر کسی، مقامی را از ناحیه خداوند برای خود ادعا کند، باید به عنوان گواه بر صدق گفتارش عملی را انجام دهد که به ظاهر برخلاف قوانین خلقت و خارج از مسیر عادی و طبیعی است و دیگران از انجام دادن آن عمل عاجز و ناتوان هستند، این چنین عمل خارق‌العاده‌ای را معجزه و انجام دادن آن عمل را «اعجاز» می‌نامند (خویی، ۱۳۸۲: ۵۲).

بدون شک معجزه برای پیامبران به‌ویژه پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام یک وسیله اثباتی به شمار می‌رود تا سند نبوت و شاهد صدق دعوت آنان قرار گیرد و گواه آن باشد که از جهان غیب پیام آورده‌اند، لذا معجزه‌ای که به دست آنان انجام می‌گیرد باید نشانه‌ای از ماوراء‌الطبیعه باشد، یعنی کاری انجام گیرد که طبیعت این جهان از عهده انجام آن

عاجز باشد؛ به همین جهت آن را خارق‌العاده^۱ توصیف می‌کنند، یعنی بیرون از شعاع تأثیرات طبیعی مألوف (عوامل طبیعی شناخته شده و معروف) قرار گرفته است (معرفت، ۱۳۸۱: ۳۴۵).

۶. بررسی طرح‌واره‌ها

پس از بررسی تمام آیات دربردارنده معجزات انبیا علیهم‌السلام، طرح‌واره‌های موجود، کشف و استخراج شد. که عبارت‌اند از طرح‌واره‌های نیرو و مشتمل بر اجبار، رفع مانع، انسداد و نیروی متقابل که بیشترین کاربرد را دارند و همچنین طرح‌واره‌های حرکت^۲، موجودیت^۳ و حجم^۴ که به تفصیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۶-۱. نیرو

انسان برای اینکه به مثابه یک موجود زنده، بقا داشته باشد باید با محیط خود، برهم‌کنش کند؛ همه برهم‌کنش‌ها مستلزم اعمال نیرو است؛ اعم از اینکه فرد به اجسام دیگر نیرو وارد کند یا خود تحت تأثیر نیروها قرار گیرد چون تجربه انسان به کمک فعالیت‌های همراه با نیرو انسجام پیدا می‌کند، لذا شبکه مفهومی انسان نیز توسط ساختارهای طرح‌واره‌ای به هم مربوط می‌شوند. در طرح‌واره نیرو ویژگی‌هایی مطرح است،

۱. یعنی خارج از محدوده عوامل مؤثر که متعارف و شناخته شده است؛ ولی هرگز برخلاف ناموس طبیعت نیست، زیرا قانون علیت، خدشه‌بردار نیست. تنها علت به وجود آمدن معجزه، غیر متعارف بودن آن است، ولی برای بشریت امکان شناخت آن بر اساس موازین طبیعی هرگز میسر نیست و گرنه هیچ پدیده‌ای در صحنه هستی بدون علت متناسب خود، امکان وجود ندارد و علت‌العلل اراده خداوندی است و چگونگی تأثیر در باب علیت نیز تحت اراده او است که می‌تواند دگرگون سازد یا سرعت بخشد و معجزه از همین طریق صورت می‌گیرد. لذا خارق‌العاده می‌گویند نه خارق‌الطبیعه (معرفت، ۱۳۸۱: ۳۴۵).

2. motion.

3. object.

4. container.

از جمله اینکه نیروها جهت دار هستند؛ در مسیر خود ادامه حرکت می دهند؛ منبع و مبدأ دارند و دارای قدرت و شدت هستند و همواره یک ساختار یا سلسله از علیت وجود دارد. طرح‌واره نیرو از ساختارهای گوناگونی متشکل است که به طور پیوسته در تجربه انسان فعال هستند و به کمک این ساختارها، در زبان باز نمود می یابند مانند نیروی متقابل، اجبار، حمایت، رفع مانع، جذب، توانایی و... (جانسون، ۱۹۸۷: ۱۰۲-۱۰۶).

۱-۱-۶. نیروی متقابل^۱

در این ساختار دو نیروی معین - در برخی موارد یکسان از حیث قدرت - با هم برخورد یا به عبارتی به یکدیگر از روبه رو نیرو وارد می کنند؛ بر اساس قدرت هریک از دو نیروی وارده، هم می تواند بردار نیرو منتهی صفر شود (توقف کامل) مثل حادثه تصادف سربه سر دو اتومبیل (جانسون، ۱۹۸۷: ۱۰۸-۱۱۰) و هم یک نیرو بردیگری غلبه نماید، لذا در ادامه حرکت نیروها، سایر حالات طرح‌واره نیرو مانند حذف مانع یا تغییر مسیر صورت می گیرد. این مفهوم در گزاره‌های مطرح در حوزه مفاهیم انتزاعی قرآن کریم، مانند تقابل دو نیروی متضاد حق و باطل، هدایت و ضلالت، نور و تاریکی، خیر و شر و... مشاهده می شود (کریمی بروجنی، ۱۳۹۶: ۹۰).

ساختار نیروی متقابل در آیات مشتمل بر معجزات پیامبران، وجود دارد؛ به عنوان مثال در آیه «قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ» (طه / ۶۵) در اینجا فعل «لِقَاء» آمده که در اصل، مقابله و روبه رو شدن دو چیز است که با هم تصادفاً برخورد کنند؛ «أَلْقَى الشَّيْءَ إِلَى الْأَرْضِ»، یعنی چیزی را بر روی زمین افکند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴۵؛ بستانی، ۱۳۷۵: ۱۲۴).

صاحب التحقیق در توضیح این فعل می نویسد اصل این ماده به معنای مقابله همراه با ارتباط است و مفاهیم برخورد، مواجهه و رؤیت از آثار این اصل است و معنای طرح و نبد (انداختن) که در ساختار متعدی فعل آمده به این معناست که دو چیز را در خارج، در

1. counterforce.

مقابل یکدیگر قرار دهند. نکته‌ای که لازم است بدان توجه شود این است که در باب افعال این ریشه (القاء) جهت صدور و نسبت فعل به فاعل مورد ملاحظه قرار می‌گیرد بر خلاف باب تفعیل که نسبت فعل به مفعول مورد نظر است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۰/۲۵۳ و ۲۵۴). به این ترتیب مشخص است که نیروی وارده به موسی علیه السلام و ساحران منسوب است، نه ابزار آلات سحر. این مفهوم، مؤید و شاهد مثالی در آیات دارد آنجا که خداوند به موسی علیه السلام فرمود: ﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ﴾ (طه/۶۸) به خود موسی علیه السلام اشاره کرد و شخص او را (إِنَّكَ أَنْتَ) برنده و غالب این تقابل نیروها دانست.

البته نباید فراموش شود که علت العلل و سبب اصلی غلبه نیروی موسوی بر سحر ساحران، اذن و اراده الهی است؛ زیرا به جای اینکه بگوید عصا را بیفکن، فرمود: به آنچه در دست داری (وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ)؛ که این تعبیر لطیف‌تر و عمیق‌تر است، چون به این اشاره دارد که هیچ چیزی حقیقت ندارد مگر آنچه خدا می‌خواهد و اگر خواست، آنچه به دست موسی علیه السلام است عصا باشد، عصا می‌گردد و اگر خواست مار باشد مار می‌شود و موسی علیه السلام مستقلاً از خود چیزی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴/۱۷۸).

مشاهده می‌شود که در این آیه، القای موسی علیه السلام در نقطه مقابل القای ساحران قرار می‌گیرد و دقیقاً از حوزه مبدأ جنگ (تقابل) با مفاهیمی چون غلبه، کید و نقشه، پاداش، شکست و پیروزی استفاده شده است و در این تقابل نیروها، نیروی حق بر باطل غلبه می‌کند و آیات زیر به همین امر اشاره دارند:

▪ ﴿قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ﴾ (اعراف/۱۱۳ و شعراء/۴۱): درخواست پاداش پیروزی.

▪ ﴿فَعُتِبُوا هُنَالِكَ﴾ (اعراف/۱۱۹): شکست ساحران.

▪ ﴿وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ﴾ (طه/۶۹): شکست ساحران.

▪ ﴿قَالُوا بَعْزَةٌ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ﴾ (الشعراء/۴۴): امید و تصور پیروزی ساحران.

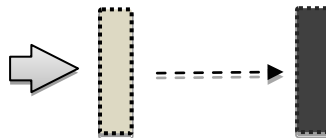
علامه طباطبایی در تفسیر خود به موضوع تقابل نیروها اشاره کرده و می‌نویسد در عبارت: ﴿وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا﴾ (طه/۶۹) بیان می‌شود که موسی علیه السلام هم از

نظر ظاهر غالب خواهد بود - همچنان که سحر سحران به امری غیر حقیقی و ساختگی (إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سَاحِرٍ) تعبیر شد - و هم غلبه او از نظر باطن و حقیقت قطعی است، چون باطل حقیقتی ندارد و کسی که برحق باشد، سزاوار نیست از غلبه باطل برحق خود بهراسد؛ به عبارت دیگر، به حسب حقیقت، علو و غلبه موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ قطعی است، زیرا آنچه سحران دارند کید سحرانه است که حقیقتی ندارد؛ ولی آنچه با موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ است معجزه و حقیقت محض می باشد و معلوم است که حق غالب است و مغلوب نمی شود (همان / ۱۷۹) و نکته بسیار جالب تری که علامه طباطبایی به آن اشاره می کند همین تداوم تقابل نیروی حق و باطل و غلبه حق است و همانند داستان موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و سحر سحران، در تمام جنگ های بین حق و باطل، یعنی هر باطلی که خودنمایی کند و هر حقی که آن را نابود سازد، جریان دارد (همان جا).

۲-۱-۶ اجبار

طرح واره اجبار از تجربه قرار گرفتن تحت تأثیر یک نیروی خارجی به دست می آید؛ مانند کسی که در جمعیت زیاد، با فشار به سمت جلورانده می شود یا تحت تأثیر باد شدید یا جریان سیل قرار می گیرد. گاهی این نیرو غیرقابل کنترل است و گاهی نیز می توان آن را تعدیل کرد (جانسون، ۱۹۸۷: ۱۰۸-۱۱۰). این طرح واره را می توان به صورت زیر نشان داد:

(شکل ۲) اجبار و الزام



نیرو شیء

طرح واره اجبار از طریق ساختار گرامری افعال نیز به دو صورت امر و نهی در زبان قرآن بازنمود می یابد. این امر مؤید دیدگاه تألمی (۲۰۰۰) است که بخش اعظم درک ما از افعال،

مبتنی بر نیروهایی است که درکنش‌های آن افعال وجود دارد (کریمی بروجنی، ۱۳۹۶: ۸۳ و ۸۴). در پیکره این پژوهش، گزاره‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهد شروع یا خاتمه وقوع اعجاز در کلام الهی در جایگاه کنشگر، نیرویی را بر مخاطب اعمال می‌کند و باعث می‌شود مخاطب به عنوان مسبب، عملی را انجام دهد یا ندهد (جانسون، ۱۹۸۷: ۱۰۲-۱۰۶). برای مثال در ماجرای وقوع طوفان نوح، خاتمه طوفان با صورت امری فعل‌های «ابْلَعِی» و «أَقْلِعِی» در روساخت زبانی بازنمود یافته است: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي» (هود/۴۴).

در این نمونه، طرح‌واره نیروی الزام و اجبار، از طریق ساخت دستوری فعل‌های اِبْلَعِی و «أَقْلِعِی» منتقل می‌شود. لازم است به این نکته توجه شود که این ساختار دستوری - امری است که حاوی استعاره است و نه ساختار واژگانی، لذا توپولوژی شناختی موجود در مشخصه دستوری امر (که حاوی مفهوم نیرو است) به کل گزاره بازتابنده می‌شود (کریمی بروجنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۴). به این ترتیب گوینده، در مقام کنشگر با استفاده از فعل دستوری «ابْلَعِی» و «أَقْلِعِی»^۱ مخاطب خود را که در اینجا زمین و آسمان هستند تحت تأثیر نیروی اجبار و الزام قرار داده است.^۲

نکته دیگر اینکه در طرح‌واره الزام و اجبار، نیرویی که بر شیء وارد می‌شود می‌تواند از سوی او پاسخ داده شود، یعنی در برابر آن نیرو مقاومت یا از آن عبور کند یا آن را کنار بزند؛

۱. واژه قلع به معنای از ریشه کردن چیزی است، یعنی آبی که آن را آسمان به سرعت و مستمر باریده است یک مرتبه از بارش متوقف می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۹۷).

۲. این آیه، بلاغت عجیبی از حیث سیاق داستان دارد و اجتماع اسباب ایجاز و توافق لطیفی که در بین آن اسباب وجود دارد آیه را در موقف عجیبی از بلاغت قرآنی قرار داده است. همه قرآن بلاغتی معجزه‌آسا دارد، لیکن خصوص این آیه آن قدر مشتمل بر نکاتی ادبی است که رجال ادب و بلاغت بحث‌ها کرده و در آب‌های بی‌کران این دریا شناوری‌ها نموده، لؤلؤهایی استخراج نموده‌اند، آنان در نهایت اعتراف کرده‌اند که آنچه استخراج کرده‌اند نظیر مشتی آب از دریایی بی‌کران است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰/۲۳۱ و ۲۳۲).

اما در این آیه با استفاده از تعبیر «غِيْضُ الْمَاءِ وَ قُضْيُ الْأَمْرِ» مشخص می‌شود که از سوی زمین و آسمان، هیچ‌گونه نیروی مخالفی وجود نداشته و آنان در برابر الزام امر الهی، اطاعت محض از خود نشان داده اند که البته آیه یازدهم سوره فصلت نیز مؤیدی است برای همین فرمان‌پذیری بی‌چون و چرا: «قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت ۱۱).

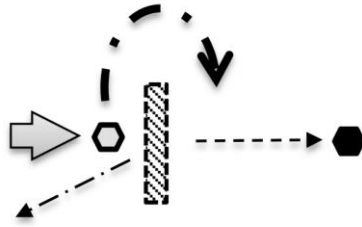
مشابه این موضوع در آیه «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ» (انبیاء/۶۹) هم وجود دارد که به امر الهی و با خطاب دستوری، آتش موظف می‌شود خاصیت خود را که سوزانندگی و نابودکنندگی است کنار نهد و به این ترتیب، تحت نیروی الزام الهی (خطاب تکوینی) برای ابراهیم علیه السلام خنک و سالم شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۳/۱۴). براساس تحلیل شناختی، این افعال به مثابه نیرویی فیزیکی وارده بر شیء، مفهوم‌سازی شده‌اند که پس از اعمال، شیء را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. این موضوع در آیات دیگری نیز قابل مشاهده است:

- «أَنْ اَضْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ» (اعراف/۱۶۰) - چشمه‌های دوازده‌گانه
- «فَأَضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ» (طه/۷۷) - شکافتن دریا
- «أَنْ اَضْرِبَ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ» (شعراء/۶۳) - شکافتن دریا
- «أَفْرَأَ بِأَسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق/۱) - آغاز نزول قرآن

۳-۱-۶. انسداد^۱

یکی دیگر از ساختارهای نیرو، انسداد و مانع است. انسان در تلاش خود برای برهم‌کنش با اجسام یا اشخاص در محیط خود، غالباً با موانعی برخورد می‌کند که برای مواجهه با آن یا باید مسیر خود را تغییر دهد یا تسلیم بشود و برگردد؛ مثلاً بدل‌کار، با موتور از بالای دیوار رد شد در این تجربه فیزیکی، «دیوار» مانعی است که بدل‌کار تلاش می‌کند با تغییر جهت یا انتخاب مسیری جدید، با این مانع مقابله و از آن عبور کند. شکل (۴) این طرح‌واره را نشان می‌دهد:

1. blockage.



شکل (۳) انسداد

با بررسی آیات مشخص شد که یکی از موانع بر سر راه پذیرش دعوت انبیا و تکذیب ایشان و به دنبال آن وقوع معجزه - که گاهی با هلاکت مشرکان قوم و نجات مؤمنان و پیامبرشان، همراه بوده، مانند طوفان نوح - کوردلی مردم است. در بسیاری از آیات قرآن کریم، به موضوع عمی و کوردلی اشاره شده و این خصیصه را مانع و سدی در برابر راهیابی و حرکت در مسیر انبیا معرفی می‌کند (بنگرید به: بقره/۱۸، هود/۲۸؛ یونس/۴۳؛ اسراء/۷۲؛ نمل/۸۱).

در آیه «أَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ» (اعراف/۶۴) کوردلی است که مانند یک مانع و سدّ، از دریافت و پذیرش حق جلوگیری کرده و مانع اصلی تکذیب دعوت انبیا معرفی می‌شود.

طرح‌واره انسداد عموماً از طریق استعاره مفهومی^۱ با طرح‌واره مسیر همراه است، زیرا انسداد، مستلزم بستن مسیر است که شیء متحرک با برداشتن مانع، پیش می‌رود. با این توضیح روشن می‌شود که کوردلی یک مانع در مسیر دریافت حقانیت پیامبران ﷺ و معجزات ایشان است، یعنی با وجود معجزه، این بندگان هستند که باید موانع دریافت این حقایق را از مسیر ادراک خود بردارند؛ لذا دریافت ملموس این موضوع که کوردلی یکی از موانع دریافت حق و پذیرش معجزات است، با استفاده از طرح‌واره انسداد صورت می‌گیرد.

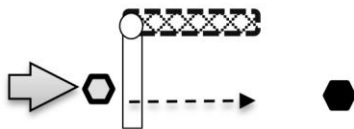
۱. رک: لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳؛ لی، ۲۰۰۱.

نیروی خارجی در طرح‌واره ممانعت گاهی از طریق عناصر طبیعی مانند طوفان وارد شده است: «فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» (عنکبوت/۱۴). فعلی که اینجا به کار رفته فعل أَخَذَ است که به معنای تصرف کردن و به دست آوردن یا دستگیر کردن چیزی به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). به این ترتیب مانند یک مانع عمل کرده و از ادامه حرکت (ادامه حیات) مجرمان جلوگیری می‌کند. این مفهوم از اخذ، یعنی ممانعت از ادامه حیات دنیوی، در آیات دیگری نیز مشاهده می‌شود:

- «وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقَرْيَةَ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ» (هود/۱۰۲)
- «كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاَهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر/۴۲)
- «فَعَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا» (مزمل/۱۶).

۴-۱-۶. رفع مانع^۱

یکی از ساختارهای موجود از تجربه روزمره اعمال نیرو، به طرح‌واره‌ای مربوط است که باز بودن مسیر و نبود مانع را نشان می‌دهد، مثل سبز بودن چراغ راهنمایی یا بالا بودن میله راهنمند ورودی پارکینگ. در این مورد از ساختارهای طرح‌واره نیرو، در حالت استعاری، طرح‌واره نیرو مفهوم علت و سبب را مفهوم‌سازی می‌کند (اردبیلی، ۱۳۹۱: ۱۳۰). این طرح‌واره را می‌توان به شکل زیر نشان داد.



شکل (۴) رفع مانع

از دیدگاه قرآن کریم در معجزات، فعل الهی به عنوان یک مؤلفه رفع‌کننده مانع محسوب می‌شود. افعال فَتَحْنَا، فَجَرْنَا و جَاوَزْنَا به ترتیب در معانی باز کردن، گشودن و

1. removal of restraint.

برطرف کردن مانع، شکافتن و عبور کردن بدون مانع از وسط یک مکان مشخص و مهم (ابن منظور، ۱۴۱۰: ۵/۳۲۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۱؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۲/۱۴۲) به کار می‌رود. در معانی مذکور در کتب لغت به وضوح به مفهوم برطرف کردن و کنار زدن مانع اشاره شده است؛ مثلاً در التحقیق برای معنای فتح آمده: «أى رفع الإغلاق والسدّ و الحُجْب» (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۹/۱۴). بنابراین تحلیل شناختی، این افعال در آیات زیر به مثابه نیرویی فیزیکی مفهوم‌سازی شده‌اند تا موانع را برطرف و مسیر خداداد معجزه را هموار کنند. این موضوع در آیات زیر قابل مشاهده است:

- «فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ» (قمر/۱۱) - طوفان نوح
- «وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا» (قمر/۱۲) - طوفان نوح
- «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ» (اعراف/۱۳۸ و یونس/۹۰) - شکافتن رود نیل و عبور بنی اسرائیل از دریا.

نکته بسیار جالب اینکه فاعل تمام این افعال در رساخت با ضمیر متکلم مع الغیر (نا) هم به خداوند و هم به فاعل دیگری نسبت داده شده است که از این شیوه زبانی، می‌توان در ادراک صحیح سببیت‌های اعجاز استفاده کرد، بدون اینکه به شاهدی خارج از متن نیاز باشد. در این گونه از ساختارهای طرح‌واره، طرح‌واره نیرو، مفهوم علت و سبب را مفهوم‌سازی می‌کند. یعنی از طریق این طرح‌واره به روشنی سبب و علت رفع موانع و وقوع فتح، تفجیر و مجاوزه بیان می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که هرچند این مقاله به دنبال تحلیل یا پاسخ به اختلافات کلامی درباره معجزات نیست، اما روشن است که در خلال بررسی زبان‌شناسی آیات معجزات انبیا در قرآن، از طریق کاربست رویکردهای میان‌رشته‌ای که کاملاً متن‌محور هستند و به شواهد خارج از متن برای اثبات یا پاسخ‌نیازی ندارند نتایجی به دست می‌آید که می‌تواند راهگشای بسیاری از ابهامات یا پرسش‌های کلامی و فلسفی عصر حاضر درباره شیوه رخداد معجزات یا سببیت آن باشد که این موضوع، از دستاوردهای مهم مطالعات میان‌رشته‌ای محسوب می‌شود.

۶-۲. حرکت^۱

یکی دیگر از طرح‌واره حرکت و جابه‌جایی شامل مؤلفه‌های مسیر و جهت است. از زمانی که کودک شروع به سینه‌خیز رفتن می‌کند، حرکت در مکان، به کنش طبیعی و دائمی او تبدیل می‌شود؛ تجربه‌هایی مانند رفتن از اتاقی به اتاق دیگر، از خانه به محل کار یا دانشگاه، بردن کودک به کودکستان، همه یک ویژگی مشترک دارند که عبارت است از تغییر مکان کنشگر. این تغییر مکان، تابع ساختار طرح‌واره‌ای {مبدأ، مسیر و مقصد} است. این ساختار طرح‌واره‌ای، مبنای استدلال واقع می‌شود و مفاهیم انتزاعی با کمک این ساختارها ادراک می‌شوند (افراشی، ۱۳۹۵/۶۳). در نمونه‌های زیادی از آیات، طرح‌واره حرکت و جابه‌جایی مشاهده می‌شود:

▪ ﴿وَأَزَلُّنَا تَمَّ الْآخِرِينَ﴾ (شعراء/۶۴)

▪ ﴿وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ﴾ (بقره/۶۳)

▪ ﴿ثُمَّ اذْعُهْنَ يَأْتِيَنَّكَ سَعِيًّا﴾ (بقره/۲۶۰).

در آیات فوق، با استفاده از افعالی مانند نزدیک کردن (أَزَلُّنَا)، بالا بردن (رَفَعْنَا) دوان دوان آمدن (يَأْتِيَنَّكَ سَعِيًّا)، مفهوم حرکت و جابه‌جایی منتقل می‌شود. در این کاربردهای قرآنی، علاوه بر مؤلفه جابه‌جایی، جهت، مسیر و شیوه حرکت نیز مشاهده می‌شود. هر چند مسیرها به صورت ذاتی، جهت‌مند نیستند، اما انسان از پیمودن یک مسیر، هدفی را دنبال می‌کند، بنابراین تمایل دارد آن را جهت‌مند ببیند؛ یعنی در امتداد یک مسیر از نقطه A به سمت نقطه B پیش می‌رود. در این حرکت، هدف‌ها به مثابه نقاط پایانی فهمیده می‌شوند که کنش‌های فیزیکی انسان، می‌توانند به سمت آن جهت‌گیری و حرکت کنند (جانسون، ۱۹۸۷: ۱۰۲-۱۰۶)، لذا مشاهده می‌شود مؤلفه مشترک در این آیات، رخداد حرکت است. در برخی از آیات شیوه حرکت (يَأْتِيَنَّكَ سَعِيًّا) و در برخی دیگر جهت حرکت (رَفَعْنَا) بازنمایی شده است.

1. motion.

این نوع کاربرد و مفهوم‌سازی با استفاده از فعل‌های مذکور، معنای عمیق‌تری را به مخاطب منتقل می‌کند و چون مخاطب در تجربه روزمره و عادی خود با این کنش‌ها سروکار دارد، به سهولت مقصود را ادراک می‌کند؛ هرچند از آنجا که طرح‌واره‌های مربوط به جهت‌گیری‌های مکانی، به قدری رایج و با تجربه روزمره ما عجین شده‌اند که در توصیف معیارهای فهم، بدیهی گرفته شده و نادیده انگاشته می‌شوند، لذا توجه به ساختارهای فهم و تأثیر آن‌ها در فهم انسانی، که طرح‌واره یکی از آن‌ها است، ضروری می‌نماید.

همچنین این ساختار از طرح‌واره نیرو را می‌توان در آیه «فَوَقَّعَ الْحَقُّ وَ بَطَّلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف/ ۱۱۸) مشاهده نمود. تعبیر «فَوَقَّعَ الْحَقُّ»، یعنی سقوط کردن یا پایین آمدن، ثابت شدن یا بر زمین قرار گرفتن (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱۳۳/۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۰؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۳/۱۹۷)، پس معنای حرکت از بالا به پایین و سپس ثبوت و قرار گرفتن در این عبارت وجود دارد. به این ترتیب گویا حق قبلاً در مکانی غیر ثابت، غیر مستقر، پا در هوا و معلق بوده و معلوم نبود سرانجام در زمین یا مکان اصلی خود قرار می‌گیرد یا نه؛ اما با اراده الهی و به وسیله معجزه موسی عَلَيْهِ السَّلَام، حق مستقر شد و در جای خود ثبوت و قرار گرفت؛ لذا فرموده حق واقع شد، و آن سحری که کرده بودند باطل شد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸/ ۲۱۶). این مفهومی است که در تفسیر المیزان به آن اشاره شده است، اما با استفاده از ابزار میان‌رشته‌ای، می‌توان تحلیل نوینی برای فهم آیه ارائه نمود که بر قواعد زبان‌شناسی شناختی، برای همه انسان‌ها به شیوه مشترک و جهانی قابل ادراک مبتنی است و این امر از مزایای کاربست مطالعات میان‌رشته‌ای در فهم متون دینی تلقی می‌شود.

۳-۶. حجم

سومین طرح‌واره‌ای که در آیات با مفهوم معجزات مشاهده می‌شود، طرح‌واره حجم است. انسان از تجربه قرار گرفتن خود در مکان‌های گوناگون، تصویری ذهنی می‌سازد که برای مفهوم‌سازی در موارد مشابه، این رابطه ظرف و مظروف را الگوی ذهنی خود قرار داده

و طرح‌واره‌ای با نام طرح‌واره حجم پدید می‌آورد (دریس، ۱۳۹۵: ۶۲-۶۴).

طرح‌واره حجم - که با عنوان طرح‌واره ظرف نیز استعمال شده است - از انطباق میان پدیده‌های ذهنی با تجربیات انسان از قرار گرفتن در محیط‌هایی مانند خانه، مغازه، ماشین و... ناشی می‌شود. این طرح‌واره‌ها، امکان تجسم ظرف و مظهر را با شبیه‌سازی قرار گرفتن اشیاء در درون یکدیگر ممکن می‌سازد. این طرح‌واره بر دو اصل استوار است؛ بر اساس طرح‌واره حجم، اشیاء یا در درون ظرف هستند یا بیرون از آن؛ اصل دوم این است که اگر شیء A در درون شیء B قرار گیرد و شیء B در درون شیء C باشد، آنگاه شیء A درون هر دو قرار دارد (Saeed؛ 2013: 367) این موضوع در آیات زیر قابل مشاهده است:

▪ ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ﴾ (اعراف / ۱۳۳)

▪ ﴿فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ﴾ (اعراف / ۱۳۶)

▪ ﴿فَعَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ﴾ (طه / ۷۸).

به دلیل محدودیت حجم مقاله و برای رعایت اختصار، تنها به یک نمونه از آیات بسنده می‌شود؛ در آیه ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ﴾ (اعراف / ۱۳۳) مفهوم «علیهم»، از طریق طرح‌واره ظرف، مفهوم تسلط و غلبه را نشان می‌دهد. کلمه «الطوفان» به معنای هر حادثه‌ای است که انسان را احاطه کند، ولی بیشتر درباره آب فراوان استعمال می‌شود؛ اصل آن طوف است که به معنای دور زدن به کار رفته است. چنان که در بخش واژه‌شناسی اشاره شد، معجزه به معنای ایجاد عجز و درماندگی در طرف مقابل است؛ از آنجا که تسلط بر یک چیز، مستلزم قرار گرفتن در بالا و بیرون و محیط بر آن است و محاط، داخل و پایین است؛ به این ترتیب با استفاده از طرح‌واره ظرف این موضوع انتزاعی باز نمود می‌شود. گویا معجزه طوفان، در مکانی بیرون از قدرت بشری بالای سراسر مفهوم‌سازی شده و بر او غلبه دارد به نحوی که امکان فرار از آن نیست و این دقیقاً در آیات طوفان نوح تصریح شده است: ﴿قَالَ سَأُوۡىٓ اِلٰى جَبَلٍ يَّعَصِمُنِي مِنَ الْمَآءِ ۚ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ اِلَّا مَنْ رَّحِمَ﴾ (هود / ۴۳) و (طه / ۷۸).

۴-۶. موجودیت (شیء بودن)

طرح‌واره موجودیت یا شیء بودن، به این معنا که انسان با مشاهده اجسام پیرامون خود درمی‌یابد اشیا ویژگی‌هایی دارند که در موجودات زنده مشاهده نمی‌شود (داودی، ۱۳۹۹: ۱۴۱ و ۱۴۲)؛ مثلاً اشیا رشد و نمو یا حرکت از طریق منبع مستقل ندارند؛ یعنی اشیا برخلاف انسان و حیوان بدون نیاز به دیگری قابلیت جابه‌جایی ندارند؛ یا اینکه اشیا قابل تملک و دادوستد هستند.

برای معجزه، مؤلفه‌های معنایی، مانند اندازه ذکر شده که مفهوم موجودیت را بازنمایی و بر وجود طرح‌واره موجودیت دلالت می‌کنند؛ زیرا مفاهیم بزرگی/کوچکی، ابتدا در تجربیات روزمره انسان شکل می‌گیرد؛ به این ترتیب که کودک با طی دوران زندگی و تجربه رشد خود، با مفهومی به نام بزرگ شدن آشنا می‌شود که به بزرگ شدن اندام‌ها مانند دست و پا مربوط است. این موضوع در آیاتی قابل ادراک است که به توصیف نحوه وقوع معجزه یا حالات مردم در پذیرش یا امتناع از دعوت پیامبرشان پس از معجزه، با تعبیری چون *سِحْرٍ عَظِيمٍ / الْكَرْبِ الْعَظِيمِ / يَوْمٍ عَظِيمٍ / يَوْمٍ كَبِيرٍ / فَوْزٌ عَظِيمٌ / عَذَابًا كَبِيرًا* پرداخته است. به این ترتیب ذهن انسان با کمک طرح‌واره موجودیت، به ساختاریخشی فهم خود نسبت به امور انتزاعی جهان اقدام می‌کند. به علاوه در دسته‌ای از آیات که از «اعتداء» سخن گفته (مانند: فرقان / ۳۷)، رخداد معجزه به عنوان عذاب و مجازات یا پاداش و نجات مؤمنان نیز خود بر طرح‌واره شیء دلالت می‌کند (جانسون، ۱۹۸۷: ۱۰۲-۱۰۶). همه این مؤلفه‌ها مانند اندازه و مقدار یا آماده کردن، مفاهیمی هستند که وقتی مفهوم معجزات در بستر آن‌ها ملموس می‌شود، طرح‌واره موجودیت را بازنمود می‌کند، یعنی وجود این طرح‌واره در ادراک پیش مفهومی انسان سبب می‌شود ذهن انسان بتواند مفاهیم یا رویدادهای موجود در جهان را با قرار دادن در این الگوهای تجربه شده از فعالیت‌های روزمره خود ادراک کند.

۷. نتیجه

طرح‌واره‌های تصویری، در چهار ساختار نیرو، حجم، حرکت و موجودیت در آیات قابل مشاهده شد. این مدل شناختی یعنی کاربرست طرح‌واره در ادراک مفاهیم، مدل مناسبی برای ادراک ساختارهای مفهومی قرآن کریم محسوب می‌شود.

این طرح‌واره مشتمل بر ساختارهای مختلفی از اعمال نیرو است. اولین ساختار، نیروی متقابل است که به شکل ویژه به تقابل نیروی اراده الهی از یک سو و نیروی باطل و طرف‌داران آن از مقابل اشاره می‌کند؛ بر اساس همه آیات موجود، این نیروی اراده الهی است که از مسیر پیامبران علیهم‌السلام و به وسیله آنان بر باطل غلبه کرده و همچنان نیز تقابل دو نیروی حق و باطل تداوم دارد.

اجبار، یکی دیگر از ساختارهای نیرو است که حاصل تجربه قرار گرفتن تحت تأثیر یک نیروی خارجی است و به مخاطب، از طریق امر و نهی نیرو وارد می‌کند. این طرح‌واره با کاربرست صیغه امر، شروع یا خاتمه رخداد معجزه را برای گوینده کلام در جایگاه کنشگر و زمین و آسمان در جایگاه کنش‌پذیر به تصویر کشیده و با استفاده از افعال دستوری، مخاطب خود را تحت تأثیر نیروی اجبار قرار داده است. ساختار دیگر در طرح‌واره نیرو، انسداد و مانع است که با کمک این طرح‌واره، یکی از موانعی که بر سر راه پذیرش حقیقت از سوی انسان‌ها وجود دارد، یعنی کوردلی بیان شد.

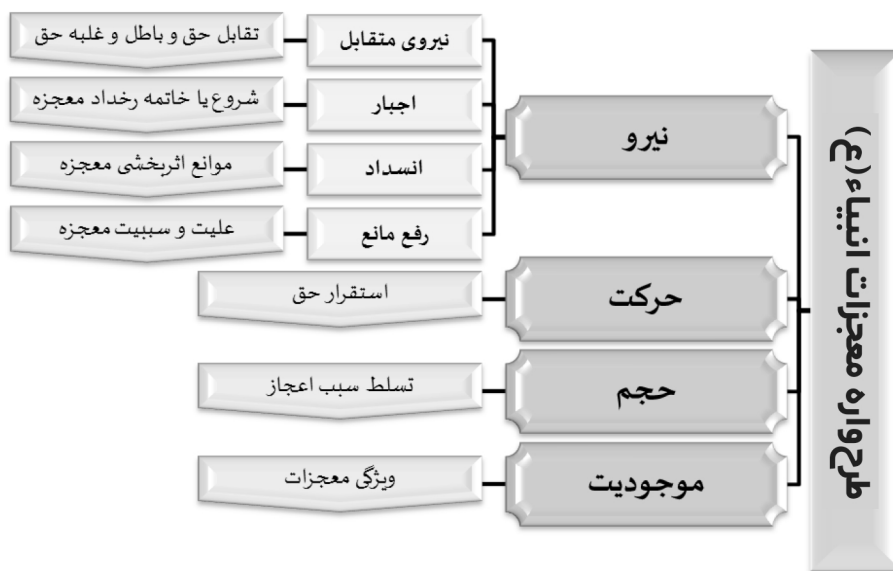
رفع مانع نیز از ساختارهای این طرح‌واره است که در حالت استعاری، مفهوم علت و سبب را مفهوم‌سازی می‌کند و راه‌های برطرف کردن موانع و تحقق معجزه از طریق این مفهوم باز نمود می‌شود؛ مانند فعل و اراده الهی که به عنوان یک مؤلفه رفع‌کننده مانع محسوب می‌شود. به علاوه با استفاده از طرح‌واره حذف مانع استدلال نوینی برای سببیت اعجاز ارائه شد که بر اساس آن و بدون نیاز به شواهد خارج از متن قرآن، به اختلافات کلامی درباره معجزات می‌توان پاسخ داد.

از میان طرح‌واره‌ها، نیرو، پرکاربردترین مؤلفه مفهومی است، لذا می‌توان گفت مفهوم لغوی اعجاز و شیوه بیانی آن در روستاخت قرآنی، در انطباق و همسویی کامل هستند که

البته این موضوع به پژوهش‌های عمیق‌تر و گسترده‌تر، در تمام موارد معجزات انبیا و با رویکرد بسامد محور، در پژوهش‌های آتی قابل پیگیری است.

طرح‌واره حرکت، یکی دیگر از طرح‌واره‌های مفهوم اعجاز است. در این مورد با استفاده از کنش‌های فیزیکی انسان و مؤلفه جابه‌جایی، اولاً شیوه وقوع معجزه قابل ادراک و ملموس می‌شود؛ ثانیاً مفهومی مانند استقرار حق که نتیجه فرایند اعجاز است به مخاطب ارائه می‌شود. طرح‌واره دیگری که برای مفهوم معجزات مشاهده می‌شود، طرح‌واره حجم است که غلبه از بالا و احاطه همه‌جانبه از سوی خداوند را به عنوان مسبب الأسباب رخداد معجزه نشان می‌دهد؛ این کاربرد نیز با معنای لغوی اعجاز تناسب دارد. در طرح‌واره موجودیت نیز با استفاده از تجربه انسان در کاربرد مفاهیم مرتبط با مقیاس (بزرگی/کوچکی) و نیز فراهم نمودن یک چیز، مفهوم نحوه وقوع معجزه و اوصاف مردم در پذیرش یا امتناع از دعوت توصیف شده است. نمودار زیر، مجموعه طرح‌واره‌های معجزات انبیا عليهم‌السلام را نشان می‌دهد.

کاربست مدل شناختی، می‌تواند به درک عمیق‌تر و گسترده‌تر از مفاهیم قرآنی کمک شایانی نماید و زمینه‌های پژوهشی نوین، بکرو وسیعی را فراروی پژوهشگران، به ویژه در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرار دهد.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه آیتی، عبدالمحمد، سروش، ۱۳۷۴.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، هارون عبدالسلام، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۳. احمدی، حبیب الله، پژوهشی در علوم قرآن، فاطیما، ۱۳۸۱.
۴. اردبیلی، لیلا، روشن، بلقیس، مقدمه ای بر معناشناسی شناختی، علم، ۱۳۹۱.
۵. افراشی، آزیتا، مبانی معناشناسی شناختی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
۶. بامشادی، پارسا و شادی انصاریان، «نگاهی به کاربرد پیکره‌ها در برخی حوزه‌های زبان‌شناسی»، مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، سال دوم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۳.
۷. جانسون، مارک، بدن در ذهن: مبنای جسمانی معنا، تخیل و استدلال، ترجمه جهان‌شاه میرزایی، آگاه، ۱۹۸۷.
۸. حبیبی، فاطمه، «بررسی طرح‌واره غفران در قرآن کریم: رویکردی شناختی»، چهارمین کنفرانس ملی مطالعات میان‌رشته‌ای علوم دینی و حوزوی، ۱۴۰۰.
۹. خویی، ابوالقاسم، بیان در علوم و مسائل کلی قرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲.

۱۰. داودی، عارفه و پروین بهارزاده، «طرح‌واره‌های تصویری دنیا در خطبه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه براساس الگوی طرح‌واره‌های ایوانز و گرین»، *حدیث پژوهی*، بهار، ش ۲۴، ۱۳۹۹.
۱۱. دریس، فاطمه و همکاران، «بررسی کاربردی طرح‌واره‌های تصویری جانسون در قرآن کریم، با تکیه بر اشاره‌های تربیتی و آموزه‌های اخلاقی در کلام وحی»، *آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث*، ۱۳۹۵.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، دارالقلم، ۱۴۱۲.
۱۳. شفیعی، فاطمه و همکاران، «نگاشت حوزه‌ای یا نگاشت طرح‌واره‌ای؛ چگونگی فرافکنی حوزه مبدأ استعاره بر حوزه مقصد»، *جستارهای زبانی*.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
۱۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *قاموس المحيط*، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۱۶. قائمی‌نیا، علی‌رضا. *معناشناسی شناختی قرآن*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۰.
۱۷. کریمی بروجنی، مدینه و همکاران، «بازنمایی طرح‌واره نیرو در گزاره‌های دینی و اخلاقی زبان قرآن»، *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۳۹۶.
۱۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، دارالکتب العلمیه، ۱۴۳۰.
۱۹. معرفت، محمدهادی، *علوم قرآنی*، التمهید، ۱۳۸۱.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
21. Arbib, M.; Conklin, E. & Hill, J. (1987). *From Schema Theory to Language*. New York: Oxford University Press.
22. Barbieri, F., & Eckhardt, S. E. B. (2007). Applying corpus based-findings to form-focused instruction: The case of reported speech. *Language Teaching Research*, 11(3), 319-346.
23. Bartlett, F.C. (1932). *Remembering: A study in Experimental and Social Psychology*, Cambridge University Press.
24. Lakoff, G.; M. Johnson & M. Turner (1989). *More Than Good Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago: University of Chicago Press.
25. McEnery, T., R. Xiao and Y. Tono (2006). *Corpus-Based Language Studies: An Advanced Resource Book*. London: Routledge.
26. Saeed, J.I. (2013). *Semantics*, Oxford .Blackwell.
27. Talmy, L. (2000). *Toward a cognitive semantics*. Vol. 2. Cambridge: MIT Press.